

# آیا آیه ای در خصوص عصمت امامان علیهم السلام در قرآن آمده است ؟

پاسخ :

در خصوص عصمت امامان آیات فراوانی وجود دارد ؛ از جمله :

1. **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا . احزاب / 33 .**

خدا می خواهد آلودگی را فقط از شما خاندان [ پیامبر ] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند .

یکی از آیاتی که در عظمت و برتری خاندان پیامبر نازل و محدوده اهل بیت علیهم السلام و خاندان رسول خدا را مشخص میکند همین آیه از قرآن کریم است که اندکی به شرح و توضیح آن می پردازیم ؛ و چون روش ما در این مجموعه بر خلاصه نویسی است و لذا برای توضیح و تشریح بقیه آیات به کتاب های مخصوص تدوین مباحث اعتقادی و نیز کتابهای تفسیری مراجعه نمائید .

در این آیه قرائن فراوانی وجود دارد که عصمت ائمه از آن استفاده می شود که به چند قرینه به صورت خلاصه اشاره می کنیم :

## اراده تکوینی است ، نه تشریحی

یکی از قرائنی که این آیه را اختصاص به پنج تن آل عبا می دهد ، نوع اراده ای است که در این آیه مراد است . بدون شك مراد از اراده در این آیه اراده تکوینی است نه اراده تشریحی ؛ زیرا خداوند آیه را با کلمه «انما» که یکی از قوی ترین ادات حصر است آغاز نموده است، و اذهاب رجس را منحصر به پنج تن آل عبا کرده است . اگر مراد اراده تشریحی باشد ، حصر آن به اهل بیت لغو خواهد بود ؛ چرا که اراده تشریحی شامل تمامی افراد بشر می شود و اختصاص به اهل بیت ندارد ؛ چنانچه خداوند کریم در آیه وضو می فرماید :

**مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُنِمْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ . مائده / 6 .**

خدا نمی خواهد بر شما تنگ بگیرد ، لیکن می خواهد شما را پاک ، و نعمتش را بر شما تمام گرداند ، باشد که سپاس [ او ] بدارید .

واضح است که مراد از اراده در این آیه تشریحی و در باره همه مؤمنین است و اختصاص به افراد معین خاصی ندارد ؛ بنابراین ، قطعاً اراده در آیه تطهیر تکوینی است . وقتی اراده تکوینی شد ، عصمت اهل البیت ثابت و بقیه افراد بشر ؛ از جمله همسران رسول خدا ، بنی هاشم و ... از دایره آن خارج خواهند شد .

**آیه تطهیر به صورت مستقل نازل شده است**

نکته دیگری که اهل سنت به آن توجه ندارند ، این است که آیه :

**إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**

به صورت مستقل نازل شده نه به همراه آیات قبل و بعد خودش . این مطلب از حدود هفتاد روایتی که در این باب است به خوبی استفاده می شود. حتی در بین این هفتاد روایت ، یک روایت هم وجود ندارد که بگوید این آیه با آیاتی که مخاطب آنان همسران رسول خدا است ، یکجا نازل شده است و حتی هیچ یک از مفسران هم این ادعا را نکرده است . حتی آن ها هم که گفته اند آیه مورد بحث مخصوص همسران رسول خدا است ؛ همانند عکرمهء خارجی ، نگفته اند که این آیه در ضمن آیات قبلی نازل شده است .

و هیچ دلیلی هم وجود ندارد که اثبات کند این آیه به همراه آیات قبل و بعد خود نازل شده است . اهل سنت اگر می خواهند ثابت کنند که زنان رسول خدا شامل «اهل البیت» می شود باید ثابت کنند که این آیه حتماً همراه آیات قبل و بعد و یک دفعه نازل شده است ؛ در حالی که هیچ دلیلی برای این مطلب ندارند .

پس آیه مورد بحث از جهت نزول جزو آیات مربوط به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و متصل به آنان نیست . حال یا به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دنبال آن آیات قرار گرفته است ، و یا بعد از رحلت آن حضرت اصحاب در هنگام جمع آوری قرآن در آن جا نوشته اند که بحث مفصلی را می طلبد.

علاوه بر این نکات، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یک همسر و یک خانه نداشتند ؛ بلکه همسران متعدد داشتند که هر کدام از آن ها دارای خانه مستقلی بوده است؛ بنابراین اگر مراد از «اهل البیت» در این آیه زنان پیامبر بود ، باید به جای اهل البیت «اهل البیوت» می آمد . چنان چه در اول آیه آمده است :

**وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ .**

و همان طور که در آیهء 53 احزاب آمده است :

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ .**

ای کسانی که ایمان آورده اید ، داخل خانه های پیامبر مشوید .

بنابراین مراد از آیه هرگز نمی تواند زنان پیامبر باشد .

**هیچ یک از زنان پیامبر ادعا نکرده است**

جالب این است که هیچ یک از زنان رسول خدا ادعا نکرده است که این آیه اختصاص به آن ها دارد و یا این که آن ها مشمول این آیه می شوند . بیشترین روایات در این باب از قول ام المؤمنین عایشه و ام المؤمنین ام سلمه وارد شده است که هر دوی آن ها با اصرار فراوان این آیه را مختص به اهل کساء می دانسته اند .

## اعتراف برخی از علمای اهل سنت بر اختصاص آیه به پنج تن آل عبا .

بسیاری از علمای اهل سنت که لجاجت و عناد را کنار گذاشته و با چشمان باز به آیه نگاه کرده اند ، اعتراف کرده اند که مراد از این آیه کسانی جزء اهل کساء نیستند و این آیه هرگز شامل زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمی شود .

طحاوی از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب تحفة الأخیار بترتیب شرح مشکل الآثار ج 8 ، ص 470- 471 در باب « بیان مشکل ما روی عنه (علیه السلام) فی المراد بقول الله: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) من هم ؟ » می نویسد :

عن عامر بن سعد، عن أبيه قال: لما نزلت هذه الآية دعا رسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم) علياً وفاطمة وحسناً وعليهم السلام فقال : اللهم هؤلاء أهلي .

زمانی که این آیه نازل شد ، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ، علی ، فاطمه ، حسن و حسین علیهم السلام را خواست و فرمود : " خدایا این ها خاندان من هستند " .

بعد می گوید :

ففي هذا الحديث أن المرادين بما في هذه الآية هم رسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم) وعلي وفاطمة وحسن وحسين .

از این حدیث استفاده می شود که مراد از آن چه در این آیه نازل شده است ، رسول خدا ، علی ، فاطمه ، حسن و حسین (علیهم السلام) هستند .

و باز این حدیث را نقل می کند :

عن أم سلمة قالت: نزلت هذه الآية في رسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم) وعلي وفاطمة وحسن وحسين: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) .

این آیه در حق ، رسول خدا ، علی ، فاطمه ، حسن و حسین نازل شده است .

و بعد از آن می گوید :

ففي هذا الحديث مثل الذي في الأول .

دلالت این حدیث نیز همانند حدیث اول است .

و نیز بعد از نقل روایاتی که از طریق ام المؤمنین ام سلمه نقل شده است می نویسد :

فدل ما روينا في هذه الآثار مما كان من رسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم) إلي أم سلمة مما ذكر فيها لم يرد به أنها كانت ممن أريد به ما في الآية المتلوة في هذا الباب، وأن المرادين فيها هم رسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم) وعلي وفاطمة

وحسن وحسين (عليهم السلام) دون من سواهم .

آنچه که از روایات در مورد اهل بیت و عترت در تفسیر و بیان آیه آمده است بدون شک مقصود رسول خدا (ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین هستند نه غیر آنان .

و نیز العلامة أبو بکر الحضرمي في كتاب رشفة الصادي من بحر فضائل بني النبي الهادي مي نويسد :

والذي قال به الجماهير من العلماء وقطع به أكابر الأئمة وقامت به البراهين وتضافرت به الأدلة أن أهل البيت المرادين في الآية هم سيدنا علي و فاطمة و ابناهما ، وما تخصيصهم بذلك منه (صلي الله عليه وآله وسلم) إلا عن أمر إلهي و وحي سماوي .

رشفة الصادي 13- 14، الباب الأول .

آن چه که جمهور علما بر آنند و بزرگان ائمه بر آن يقين دارند و دلايل و براهين فراواني در تأييد آن وجود دارد ، مراد از اهل بيت در اين آيه ، آقاي ما علي ، فاطمه ، و فرزندان آن ها هستند . و اگر پيامبر آن ها را به اين امر (اهل بيت) اختصاص داده است ، به دستور خداوند و وحي آسماني بوده است .

و در ادامه مي گويد :

والأحاديث في هذا الباب كثيرة وبما أوردته منها يعلم قطعا أن المراد بأهل البيت هم علي و فاطمة و ابناهما رضوان الله تعالى عليهم ولا التفات إلي ما ذكره صاحب روح البيان من أن تخصيص الخمسة المذكورين (عليهم السلام) بكونهم من أهل البيت من أقوال الشيعة، لأن ذلك محض تهوّر يقتضي بالعجب، وبما سبق من الأحاديث وما في كتب أهل السنة السنية يسفر الصبح لذي عينين .

روایات در این موضوع فراوان است و از آنچه نقل کردم قطعا اینچنین استفاده مي شود که:

مقصود از اهل بيت علي و فاطمه و دو فرزندش حسن و حسين هستند، و به آنچه که نويسنده روح البيان گفته است که اختصاص اين آيه به علي و فاطمه و دو فرزندش از ساخته هاي شيعه است نبايد اعتنا کرد، و اگر کسي چشمش را باز کند و به نوشته هاي کتابهاي اهل سنت به درستي و دقت نگاه کند حقيقت بر وي آشکار خواهد شد .

و از همه مهم تر اين که علامه شوکاني يکي از فحول اهل سنت در جواب کسانی که مي گفتند اين آيه در باره زنان پيامبر نازل شده است ، مي نويسد :

ويجاب عن هذا بأنه ورد بالدليل الصحيح أنها نزلت في علي و فاطمة و الحسنين .

إرشاد الفحول إلي تحقيق الحق في علم الأصول ، ص 83 البحث الثامن من المقصد الثالث.

دليل و مدرک صحيح داريم که اين آيه در شان علي و فاطمه و حسنين نازل شده است ،

و سمهودي يکي ديگر از بزرگان اهل سنت مي نويسد :

وهؤلاء هم أهل الكساء فهم المراد من الآيتين [آية المباهلة وآية التطهير].

جواهر العقدين ، ص 204 الباب الأول .

اینان ( علی و فاطمه و حسنین ) اهل کسا هستند که از دو آیه مباحله و تطهیر استفاده می شود و خداوند آنان را مورد عنایت قرار داده است .

آیات دیگری نیز در قرآن کریم وجود دارد که برای اثبات عصمت پیامبر اسلام و ائمه معصومین می توان به آن استناد کرد که برای اطلاع از نحوه استدلال به این آیات به کتاب های تفسیری شیعه ؛ از جمله تفسیر المیزان علامه طباطبائی مراجعه فرمایید .

2 . يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ . النساء / 59 .

ای کسانی که ایمان آورده اید ، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را اطاعت کنید .

یکی از آیاتی که عصمت پیامبر اسلام و ائمه علیهم السلام را ثابت می کند ، همین آیه است ؛ چرا که خداوند در این آیه ، اطاعت از رسول گرامی اسلام و « اولی الامر » را به صورت مطلق واجب کرده است ؛ یعنی هر دستوری که آن ها در هر زمینه ای دادند ، باید بدون چون و چرا پذیرفته شود .

اگر « اولی الامر » معصوم نباشد ممکن است عمداً و یا سهواً دستوری بدهد که مخالف دستور خداوند و یا رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم باشد که در این صورت اگر از دستور خدا و رسول او اطاعت شود ، از دستور « اولی الامر » سر پیچی شده است ، و این مخالف با صریح آیه است ؛ چون در این آیه ، اطاعت از آن ها به صورت مطلق واجب شده است . و اگر از دستور « اولی الامر » اطاعت شود ، از دستور خداوند سر پیچی شده است .

این تناقض در صورتی حل می شود که « اولی الامر » معصوم از هر گونه خطا و اشتباه باشد .

حتی فخر رازی ، مفسر معروف اهل سنت نیز از این آیه عصمت « اولی الامر » را فهمیده است . و ذیل همین آیه می گوید :

فثبت أن الله تعالى أمر بطاعة أولي الأمر علي سبيل الجزم ، وثبت أن كل من أمر الله بطاعته علي سبيل الجزم وحب أن يكون معصوما عن الخطأ ، فثبت قطعاً أن أولي الأمر المذكور في هذه الآية لا بد وأن يكون معصوما .

تفسیر الرازی - الرازی - ج 10 - ص 144 .

بنا بر این ثابت شد که فرمان خدا به اطاعت از اولی الامر حتمی و قطعی است (چون خداوند با کسی شوخی ندارد) و نیز ثابت شد که هر کس خداوند پیروی و اطاعتش را واجب بداند باید معصوم از خطا و اشتباه باشد و وقتی این چنین بود اولی الامر در این آیه به ناچار قطعاً باید معصوم باشند .

3 . وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ . البقره / 124

و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود ، و وی آن همه را به انجام رسانید ، [ خدا به او ] فرمود : «من تو را پیشوای مردم قرار دادم .» [ ابراهیم ] پرسید : « از دودمانم [ چطور ] ؟» فرمود : «پیمان من به بیدادگران نمیرسد .»

این آیه از آیاتی است که الهی بودن مقام امامت ، برتری مقام امامت بر مقام نبوت و نیز عصمت امام را ثابت می کند ؛ چرا که حضرت ابراهیم علیه السلام با این که پیامبر بود ، وقتی به مقام امامت رسید و عظمت و بزرگی این مقام را دید ، از خداوند کریم این مقام را برای ذریه و فرزندانیش نیز درخواست کرد ؛ اما خداوند در جواب خلیل خود به صورت مطلق فرمود :

### عهد من ظالمان نخواهد رسید

یعنی این مقام مخصوص کسانی است که در تمام عمرشان لحظه ای ظلم نکرده باشند . و همان طور که می دانید ، یکی از ظلم ها ، ظلم به نفس است و گناه خود مصداق اتم ظلم به نفس به شمار می آید ؛

خداوند در قرآن می فرماید :

وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ . الطلاق / 1 .

هر کس حدود خدا را تجاوز کند ، به نفسش ظلم کرده است .

حد اقل مرتبه گناه ، ظلم به نفس خویش است . یعنی اگر کسی در تمام عمرش حتی یک بار گناه بکند ، مصداق ظالم می شود . و عهد الهی که امامت باشد به ظالم نمی رسد ؛ از این رو ، امام باید معصوم باشد .

بسیاری از مفسران و علمای اهل سنت اعتراف کرده اند که مراد از « عهدی » همان مقام امامت است ؛ از جمله فخر رازی در تفسیر خود می گوید :

(لَا يَنَالُ عَهْدِي) جواباً لقوله (وَمِنْ ذُرِّيَّتِي) وقوله (وَمِنْ ذُرِّيَّتِي) طلب للإمامة التي ذكرها الله تعالى فوجب أن يكون المراد بهذا العهد هو الإمامة ليكون الجواب مطابقاً للسؤال .

تفسیر رازی ، ج 4 ، ص 46 .

و بیضاوی ، یکی دیگر از مفسران اهل سنت در تفسیر « لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ » می گوید :

إجابة إلي ملتسمه وتنبيهه علي انه قد يكون من ذريته ظلمه وأنهم لا ينالون الإمامة لأنها أمانة من الله تعالى وعهداً والظالم لا يصلح لها .

تفسیر البيضاوي ، ج 1 ، ص 397 ، ط دار الفكر بيروت .

و ابن كثير دمشقي سلفي نیز در تفسیر آیه می گوید :

لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ يَقُولُ تَعَالَى مِنْبَهًا عَلَيَّ شَرَفَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَهُ إِمَامًا لِلنَّاسِ .

تفسير ابن كثير ، ج 1 ، ص 169 .

و طبري در تفسير جامع البيان در تفسير « لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ » مي نويسد :

حدثني محمد بن عمرو قال ثنا أبو عاصم قال ثنا عيسى عن ابن أبي نجيح عن مجاهد قال: لا ينال عهدي الظالمين قال: لا يكون إماماً ظالماً .

جامع البيان ، ج 2 ، ص 738 ، ط دار الفكر .

و روايات بسياري كه از طريق اهل سنت با اين مضامين : « لا يكون إماماً ظالماً » و « لا اجعل إماماً ظالماً يقتدي به » وارد شده است .

رك : صحيح البخاري ، ج 1 ، ص 215 ، كتاب الأحكام و صحيح مسلم ، ج 6 ، ص 8 ، باب فضيلة الإمام العادل و باب خيار الأئمة و أشرارهم و جامع البيان ، طبري ج 1 ص 738 و الدر المنثور ، السيوطي ، ج 1 ص 118 .

موفق باشيد

گروه پاسخ به شبهات